



## «ظهر آرام خانه ی مادر بزرگ»

عصر یکی از روزهای اول فروردین بود. نه گرم بود نه خنک. همان اعتدالی که فقط در چند روز کوتاه بهار پیدا می شود. مهسا که سال ها بود با مادر بزرگش زندگی می کرد، کنار حوض آبی حیاط نشسته بود و پاهایش را آرام تکان می داد. این حیاط دنیای هر روز او بود. سطح آب کاملاً آرام نبود. هرچند لحظه موج های ریزی روی آن می دوید. انگار چیزی نامرئی آرامش آن را به هم می زد.

درخت زردآلو گوشه ی حیاط تازه شکوفه داده بود. بعضی شاخه ها پُر از گل بودند و بعضی خلوت تر. مادر بزرگ صبح گفته بود: «هر شاخه ای که نور بیشتری بگیرد، گل هایش بیشتر دوام می آورند.»

مهسا به دیوار نگاه کرد آفتاب درست از لبه پشت بام وارد حیاط می شد و سایه درخت روی زمین کشیده شده بود. طول سایه تقریباً ۲ برابر ارتفاع تنه دیده می شد؛ اما هرچه خورشید بالاتر می رفت سایه کوتاه تر می شد.

کنار باغچه دو سطل آب بود؛ یکی فلزی و یکی پلاستیکی. وقتی مهسا سطل هارا که هردو پر بود برداشت تا به گلدان های دور حوض آب بدهد، آب سطل ها روی دستانش پاشید و او حس کرد که آب سطل فلزی خنک تراست. عجیب بود، چون سطل ها از صبح کنار هم بودند. کمی آب در گلدان ها ریخت و روی لبه ی حوض نشست. چند سنگ که آنجا بود را داخل حوض انداخت.

پلوپ! پلوپ!

سنگ ها ته نشین شدند، اما تصویرشان نزدیکتر و بزرگتر دیده می شد. مهسا خم شد و خندید و گفت: «شماها که اون پایین هستید، چرا اینقدر نزدیک به نظر می رسید.»

مهسا دستش را در آب فرو برد و موج کوچکی ساخت. موج ها به دیواره های حوض خوردند و برگشتند، اما در گوشه ی مربعی حوض، شکلشان عوض شد.

نسیمی وزید. شکوفه ای از شاخه جدا شد و آرام روی آب افتاد و شناور ماند.

مهسا فقط نگاه می کرد.

به نور، به سایه ها، به تفاوت ها و به چیزهایی که همیشه هستند... اما اگر خوب نگاه کنی، تازه شروع به حرف زدن می کنند.





## فارسی

۱- یک نمونه تشبیه از داستان پیدا کن ، آن را بنویس و توضیح بده.

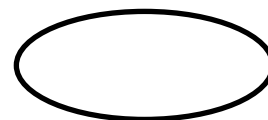
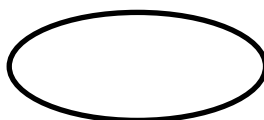
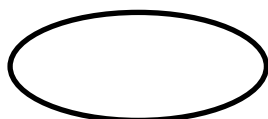
۲- کلمه ی «ته نشین» در جمله «سنگها ته نشین شدند» :

الف) چه معنایی دارد؟

ب) مخالف این کلمه را در متن داستان پیدا کن و با آن یک جمله بنویس.



۳- سه واژه هم خانواده با کلمه ی «اعتدال» بنویس .



۴- یک جمله از داستان پیداکن و بنویس که در آن قید وجود داشته باشد و کلمه قید را مشخص کن.

۵- جدول زیر را با کلمات داخل داستان تکمیل کن.

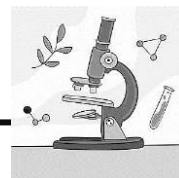
|  |   |   |   |   |   |
|--|---|---|---|---|---|
|  | ا |   |   |   | ت |
|  | ر |   | ی |   |   |
|  |   | م |   |   | م |
|  |   |   |   |   | ح |
|  |   |   |   | ف |   |

۶- یک هم خانواده و یک متضاد با کلمه «اعتدال» بنویس و سپس هر دو را در یک جمله به کار ببر.

هم خانواده :

متضاد:

جمله:



## علوم

۱- مهسا وقتی سنگ ها را داخل آب انداخت، چه چیزی را مشاهده کرد و این نشان دهنده چه مفهومی در علوم است؟

۲- چرا آب در سطل فلزی خنک تر از آب سطل پلاستیکی بود ؟

۳- چه رابطه ای میان نور خورشید و دوام گل ها وجود دارد؟ درباره آن تحقیق کن و برداشت خود را بنویس.

۴- چرا طول سایه درخت در طول روز تغییر می کند؟ با رسم شکل آن را توضیح بده.

۵- مهسا دید که موج ها هنگام برخورد به گوشه ی حوض شکلشان تغییر می کند. این چه پدیده ای است؟

۶- در مشاهدات مهسا شکوفه ها روی آب شناور بودند می توانی اتفاقی مخالف آن در داستان پیدا و علت ها را مقایسه کنی؟





## ریاضی

۱- اگر مهسا  $\frac{1}{5}$  لیتر آب از سطل فلزی و  $\frac{2}{4}$  لیتر از سطل پلاستیکی در گلدان ها ریخته باشد. چند لیتر آب در سطل ها باقی مانده است؟

۲- اگر اول صبح سایه ۶ متر باشد و با بالا رفتن خورشید، طول آن هر ساعت ۲۰٪ کاهش پیدا کند بعد از ۲ ساعت سایه چند متر می شود؟

۳- اگر هر ضلع حوض ۲ متر باشد و عمق آب ۵۰ سانتی متر، حجم آب حوض خانه ی مادر بزرگ را حساب کن.

۴- اگر مهسا ۳ سنگ داخل حوض انداخته باشد و حجم یکی از سنگ ها دو برابر دو سنگ دیگر باشد، چگونه می توان از روی بالا آمدن آب حجم تقریبی هر کدام را تخمین زد؟

۵- اگر طول سایه درخت ۲ برابر ارتفاع درخت دیده شود:

الف) نسبت ارتفاع درخت به طول سایه چقدر است؟

ب) در صورتی که ارتفاع درخت ۳ متر باشد، نسبت طول سایه به ارتفاع درخت را به صورت کسر بنویس.





## «بوی نان و غوغای گنجشکان»

خانه هنوز نیمه ساکت بود و نور تازه از لابلاهای شاخه‌های زردآلو به حیاط می‌تابید. از آشپزخانه بوی نان تازه می‌آمد. مادر بزرگ خمیر را از شب قبل آماده کرده بود و گفته بود: «اگر هوا خیلی سرد باشد خمیر دیرتر پف می‌کند.»

مادر بزرگ مهسا را صدا زد: «مهسا جان اگر می‌خواهی از نان‌های تازه بخوری، همین حالا بیا.» مهسا از پله‌های ایوان پایین رفت. سنگ‌های حیاط که یکی در میان ترک برداشته بود، هنوز سرمای شب را در خود نگه داشته بودند.

روی بند دو حوله آویزان بود. یکی سبک و رقصان در باد و دیگری سنگین و بی حرکت. مهسا گوشه هر دو را لمس کرد حسشان یکی نبود؛ با اینکه هر دو تازه شسته شده بودند. در کنار باغچه ۵ متری حیاط، آب باریکی از شلنگ روی خاک جاری بود. آب در بعضی قسمت‌ها آرام فرو می‌رفت و در بخشی دیگر لحظه‌ای می‌ایستاد و بعد دوباره راهی پیدا می‌کرد. در مدت ۵ دقیقه آب از ابتدای باغچه به انتهای آن رسید؛ اما قسمت‌های بلندتر هنوز خشک مانده بود. مهسا چند قدم جلو رفت و از لبه حوض گذشت. سطح آب دیگر صاف نبود. نسیم صبحگاهی ردهای باریکی روی آن انداخته بود و انعکاس شاخه‌ها شکسته‌تر دیده می‌شد. به نظر می‌آمد آب حوض حدود ۲ درصد از دیروز کمتر شده بود. مادر بزرگ سینی نان را روی ایوان گذاشت. بخار نازکی از آن بلند می‌شد. بوی نان هوش از سر می‌پراند و لابه لای برگ‌های درخت زردآلو که حالا بیشتر از چند روز قبل شده بود و سایه‌اش شکل تازه‌ای گرفته بود، می‌پیچید.

سایه برگ‌ها روی سطح حیاط، حدود یک چهارم بیشتر از روزهای گذشته گسترده شده بود و زمین زیر آن دیرتر خشک می‌شد. گنجشک‌ها لابلاهای شاخه‌ها شلوغ می‌کردند و زندگی را به جریان می‌انداختند.

مهسا کنار سینی نشست و غرق در بوی نان شد. خانه همان خانه بود و حیاط همان حیاط؛ اما هر روز شکل بودنش کمی فرق می‌کرد و او این تفاوت‌ها را زندگی می‌کرد.



## فارسی

۱- کلمات متضاد را از متن داستان پیدا کن و در کنار هم بنویس.

..... ≠ .....

..... ≠ .....

..... ≠ .....

..... ≠ .....

۲- در هر جمله به جای کلمه مشخص شده کلمه ای دیگر بگذار بدون اینکه معنای جمله عوض شود.

(الف) نور تازه از لابه لای شاخه‌ها وارد حیاط می‌شد. ....

(ب) سنگ‌های حیاط هنوز سرمای شب را در خود نگه داشته بود. ....

(ج) سایه درختان کف حیاط فشرده‌تر شده بود. ....

(د) بوی نان همه جا پراکنده شده بود. ....

۳- برای کلمه‌های زیر از داخل متن مخالف پیدا کن.

ضخیم ≠ ..... برداشت ≠ .....

شباهت ≠ ..... جمع ≠ .....

۴- در جمله‌های زیر نوع کلمه‌های مشخص شده را بنویس. (اسم، فعل، صفت، قید)

«سنگ بزرگ در آب حوض کمی بالاتر دیده می‌شد.»

سنگ: ..... کمی: ..... دیده می‌شد: ..... آب حوض:

۴- یک جمله به دلخواه از متن بنویس و نهاد و گزاره آن را مشخص کن.

جمله: «.....»

نهاد: ..... گزاره: .....

۵- داستان را از قسمت «مهسا کنار سینی نشست» در یک بند ادامه بده.

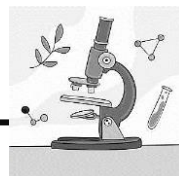
.....

.....

.....

۶- منظور از جمله «گنجشک‌ها لابلای شاخه‌ها شلوغ می‌کردند و زندگی را به جریان می‌انداختند» چیست؟





## علوم

۱- به نظر تو چرا دوحوله که در یک زمان شسته شده‌اند ، زمان خشک شدن متفاوتی دارند ؟

۲- دلایل این که آب در بعضی قسمت‌های خاک سریع تر نفوذ می‌کند و در بعضی قسمت‌ها روی سطح می‌ماند را بررسی کن.

۳- علت ناصاف دیده شدن سطح آب در اثر باد صبحگاهی چیست؟

۴- برای دلیل تفاوت سرعت فرو رفتن آب در خاک، یک آزمایش طراحی کن و کامل توضیح بده که چه چیزهایی را ثابت نگه می‌داری و چه چیزهایی را تغییر می‌دهی؟

۵- در مورد حرف مادر بزرگ که گفته بود: « اگر هوا خیلی سرد باشد خمیر دیرتر پف می‌کند.» تحقیق کن و علت را بنویس.





## ریاضی

۱- اگر طول حیاط ۸ متر و عرض آن ۵ متر باشد و سنگ‌های کار شده کف حیاط  $۵۰ \times ۵۰$  سانتی‌متر باشد، مساحت سنگ‌های ترک خورده را حساب کن.

۲- فرض کن حجم آب داخل حوض  $۱/۲$  متر مکعب باشد. اگر به علت تبخیر روزانه گفته شده در داستان از حجم آن کم شود پس از سه روز چه مقدار باقی می‌ماند؟

۳- اگر یکی از حوله‌ها پس از شستشو ۹۰۰ گرم بوده باشد و پس از خشک شدن ۶۰۰ گرم شود، چند درصد جرم آن مربوط به آب بوده است؟

۴- اگر باغچه خانه مادر بزرگ ۳ متر عرض داشته باشد و آب فقط در  $۴۰\%$  سطح آن نفوذ کند و بقیه جاری شود مساحت بخش نفوذ کننده چقدر است؟

۵- با توجه به متن اگر سایه درخت قبلاً ۴ متر مربع بوده اکنون چند متر مربع است؟







## «زیر سقف انبار»

مادر بزرگ مهسا را صدا زد:

«دخترم، لطفاً چند شیشه مربا از انبار بیاور.»

انبار کوچک و خنک بود. سقف کوتاهش نزدیک سر مهسا قرار داشت و پنجره‌ی باریکی نور را به شکل نوار باریک نیم متری روی زمین می‌انداخت. بوی خاک و چوب قدیمی، فضای انبار را پر کرده بود.

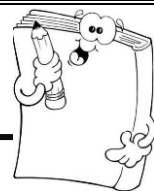
قفسه‌های چوبی سه طبقه روی دیوار نصب شده بودند. ۵ شیشه‌ی بزرگ روی طبقه پایین و ۳ تا بیشتر، شیشه کوچک روی طبقه بالایی چیده شده بود. بعضی شیشه‌ها کاملاً پر بودند و بعضی یک پنجم پایین‌تر از لبه‌شان خالی مانده بودند. مهسا یکی از شیشه‌ها را برداشت و نور پنجره از میان مربای سرخ عبور کرد؛ رنگش تیره‌تر و درخشان‌تر به نظر رسید. مهسا با دقت به تفاوت رنگ‌ها و شفافیت مرباها نگاه کرد و حس کرد هر ظرف داستان خودش را دارد. مرباهای مادر بزرگ حرف نداشت و آب دهان راه می‌افتاد.

در گوشه دیگر انبار، یک تشت فلزی بزرگ و یک سطل پلاستیکی قرار داشت که تشت ۴ برابر سطل گنجایش داشت. هر دو خالی بودند، اما وقتی مهسا به کف آنها ضربه‌ای آرام زد، صدایشان یکسان نبود. هوا در انبار آرام بود، نزدیک پنجره کمی حرکت احساس می‌شد و ذره‌های ریز گرد و غبار در نور معلق، آهسته جابجا می‌شدند.

مهسا شیشه‌ها را در یک سبد گذاشت و پیش از خروج، نگاهی به قفسه‌ها انداخت. زیر لب گفت: «وقت آن است که دوباره با مادر بزرگ دست به کار درست کردن مربا شویم.»

وقتی از انبار بیرون آمد، برای چند ثانیه همه جا تاریک شد؛ انگار نور بیرون با چشمانش قهر کرده باشد. چند لحظه طول کشید تا چشم‌هایش به روشنایی عادت کند. این تغییر ناگهانی، هم شگفت‌آور و هم رازآلود بود. مهسا لبخندی زد؛ امروز فهمیده بود که حتی آوردن چند شیشه مربا هم می‌تواند پر از کشف باشد.





فارسی

۱- در جمله‌ی زیر دو نوع آرایه‌ی ادبی را مشخص کنید و هر کدام را به طور کوتاه توضیح دهید.  
«انگار نور بیرون با چشمانش قهر کرده باشد.»

آرایه دوم

آرایه اول

۲- دو جمله که در آن مفعول به کار رفته از متن پیدا کن و بنویس.

---

---

۴- برای واژه «دقیق» سه هم خانواده بنویس و یکی از آنها را در یک بند استفاده کن.

هم خانواده

---

---

---

۵- یک قسمت از داستان را به انتخاب خودت تغییر بده و آن را بازنویسی کن.

---

---

---

۶- زیر یک جمله در متن خط کشیده شده، آن را بنویس و آرایه به کار رفته در آن را توضیح بده .

---

---

---





## علوم

۱- چرا گرد و غبار در نزدیکی پنجره بیشتر دیده می‌شد؟



۲- وقتی مهسا از انبار تاریک به فضای روشن رفت، چرا برای چند ثانیه همه جا تاریک به نظر رسید؟.

( کیو آر کد روبرو را اسکن کن و به سوال پاسخ بده )

۳- ذره‌های گرد و غبار فقط در مسیر نور دیده می‌شدند. این مشاهده مربوط به کدام ویژگی نور است؟

۴- چرا هوای نزدیک پنجره، کمی در حرکت بود؛ در حالی که بقیه فضای انبار آرام‌تر حس می‌شد؟

۵- در تهیه مرباها انواع تغییراتی که از ابتدا تا انتها در آن اتفاق می‌افتد را بررسی کن و به ترتیب بنویس.

۱

۲

۳

۶- وقتی مهسا به تشت فلزی و سطل پلاستیکی ضربه زد صدای آن با هم متفاوت بود ، این چه ویژگی از مواد را نشان می‌دهد؟ توضیح بده.





## ریاضی

۱- مادر بزرگ همیشه برای زیباتر شدن شیشه‌های مربا دور تا دور درب آنها یک نوار کنفی می‌چسباند. اگر قطر درب تمام شیشه‌های بزرگ ۷ سانتی متر و قطر درب شیشه‌های کوچک ۵ سانتی متر باشد. مادر بزرگ برای زیباسازی درب همه شیشه‌های مربای داخل انبار چند متر نوار کنفی استفاده کرده است؟

۲- نسبت شیشه‌های پر به شیشه‌های نیمه پر روی طبقه پایین ۳ به ۲ است. اگر ۱۰ شیشه روی طبقه پایین داشته باشیم، چند شیشه پر و چند شیشه نیمه پر هستند؟

۳- تشت فلزی و سطل پلاستیکی داخل انبار حجم متفاوت داشتند. اگر سطل با ۵ بطری ۱/۵ لیتری پر شود، چند لیتر آب لازم است تا تشت پر شود؟

۴- اگر ۳ شیشه‌ی سرخالی در قفسه بالا باشد و حجم شیشه‌ها ۱ کیلو گرم باشد، چند کیلو گرم مربا در انبار طبقه بالا مانده است؟

۵- وقتی مهسا به اتاق برگشت مادر بزرگ از او پرسید: «مهسا جان به نظرت چند کیلو مربا در انبار مانده؟» به او کمک کن تا بتواند پاسخ سوال مادر بزرگ را پیدا کند. (حجم شیشه‌های کوچک را ۵۰۰ گرم در نظر بگیر).

۶- اگر عرض نوری که از پنجره به انبار می‌تابید ۱۰۰ میلیمتر باشد، مساحت نوری که کف انبار افتاده بود را حساب کن.





### «روی پشت بام»

مادر بزرگ از میدان تره بار با کیسه های پر از سبزی های تازه و خوشبو برگشت. عطرشان هنوز در هوا می چرخید. سبزی ها را شسته بود و حالا می خواست آنها را خشک کند. ۱۲ سینی فلزی را روی هم چید و گفت: «مهسا جان، بیا کمک کن. امروز آفتاب از آن آفتاب هاست.»

پله های باریک را یکی یکی بالا رفتند. پشت بام گسترده و تقریباً همسطح بود و دیوارهای کوتاهی دور تا دورش کشیده شده بود. آفتاب مستقیم می تابید و باد آرامی، اما پیوسته، جریان داشت.

سبزی های خرد شده را در سینی پهن کردند؛ نه خیلی روی هم، نه خیلی دور از هم. مادر بزرگ گفت: «باید کمی فاصله داشته باشند تا هوا میانشان بچرخد. اگر روی هم تلنبار شوند، دیرتر خشک می شوند.»

بعضی برگ ها نازک و لطیف بودند؛ با رگه هایی ظریف که در نور برق می زدند. بعضی دیگر ضخیم تر و گوشتی تر بودند و دیرتر خشک می شدند.

سینی ها را ردیف کردند؛ بعضی نزدیک دیوار. بعضی کمی دورتر تقریباً در میانه ی پشت بام. آنهایی که کنار دیوار بودند، کمتر باد می خورند. لبه ی دیوار سایه ی باریکی روی پشت بام انداخته بود.

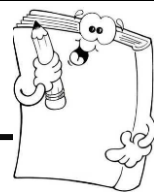
مادر بزرگ آهسته گفت: «حیف! پارسال یکی از سینی ها زرد شد. علتش را نمی دانم. امیدوارم امسال زرد نشوند.»

در همین لحظه، چیزی توجه مهسا را جلب کرد؛ روی دیواره ی مخزن آب که نسبتاً کوچک بود و ارتفاعش ۱/۵ متر بود، لکه هایی از نور رنگارنگ، درست روبه روی آنها، خودنمایی می کرد. رنگ ها آرام جابه جا می شدند؛ انگار کسی با قلم موی نور روی دیوار نقاشی می کرد.

مهسا به اطراف نگاه کرد. نزدیک مخزن، چند تکه شیشه ی قدیمی، یک بطری شفاف نیمه پر و چند وسیله ی براق روی هم افتاده بود. نور خورشید مستقیم بر آنها می تابید و بازتابش چشم را می گرفت.

مادر بزرگ گفت: «آفتاب کار خودش را می کند؛ اما صبر هم لازم است. هر چیزی زمان خودش را می خواهد. بیا برویم.»

مهسا به راه افتاد و در ذهنش چیزهایی را مرور و بررسی می کرد سبزی هایی که سال گذشته زرد شده بودند، نوری که روی دیواره مخزن افتاده بود و بادی که ممکن بود امسال زحمت مادر بزرگ را به هدر بدهد؛ و تغییراتی که بی وقفه ادامه داشت و مهسا فکر می کرد، علت آن ها چیست؟



## فارسی

۱- برای هر کدام از انواع جمله یک جمله از متن داستان پیدا کن و آن را بنویس.

خبری

امری

پرسشی

عاطفی

۲- پیام جمله «آفتاب کار خودش را می کند اما صبر هم لازم است.» چیست؟ یک ضرب المثل که در چنین مواردی استفاده می شود، آن را بنویس.

۳- زاویه دید این داستان چیست؟

( در رابطه با پاسخ این سوال کمی در گوگل جستجو کن و پس از آن برداشت خود را بنویس.)

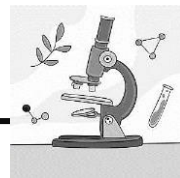
۳- چرا در جمله ی «سبزی ها را روی سینی ها پهن کردند؛ نه خیلی روی هم، نه خیلی دور از هم.» از «؛» استفاده شده است؟

۴- جمله ی «باد لحظه ای تندتر شد» را با حفظ معنا به جمله ای گسترده تر تبدیل کن.

.....

۵- منظور از جمله «امروز آفتاب از آن آفتاب هاست.» چیست؟





## علوم

۱- چرا سبزی یکی از سینی های سال گذشته زرد شده بود؟ دو احتمال علمی مطرح کن.

۲- اگر سه سینی در فاصله های متفاوت از دیوار باشند، کدامیک احتمالاً زودتر خشک می شود؟ استدلال کن. (می توانی از روش آزمایش برای اثبات آن استفاده کنی)

۳- اگر یکی از سینی ها در سایه باشد، چه تفاوتی با سینی زیر آفتاب خواهد داشت؟

۴- چرا برگ ها هنگام خشک شدن پیچ می خورند؟ تحقیق کن که چه تغییری در ساختار آنها رخ می دهد.

۵- بررسی کن چرا رنگ نور های افتاده روی مخزن به آرامی جابه جا می شدند؟

۶- علت ایجاد نور رنگارنگ را به طور کامل توضیح بده و رنگ هایی که در آن موجود بود را به همان ترتیب بکش.



## ریاضی

۱- اگر در هر سینی ۶ کیلوگرم سبزی باشد، در صورتی که قطر هر سینی ۴۶ سانتی متر باشد. حساب کن مادر بزرگ چند کیلو سبزی خرد کرده است؟

۲- اگر ۷۵٪ از آب سبزی ها پس از خشک شدن کامل آن ها، تبخیر شود چند کیلوگرم سبزی خشک تهیه می شود؟

۳- با توجه به قطر سینی ها حساب کن مساحتی که تمام سینی ها اشغال کرده اند، چند متر مربع است؟

۴- اگر در هر ساعت ۲٪ از آب سبزی ها خشک شود، تقریباً بعد از چند روز و چند ساعت سبزی ها بطور کامل خشک خواهند شد؟

۵- شعاع دهانه مخزن آب ۵۰ سانتی متر است. حجم آن را به دست بیاور.





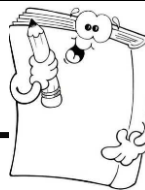


### «کشف در باغ»

پشت خانه قدیمی مادر بزرگ باغی وسیع و سرسبز بود. جایی که برگ ها و شکوفه ها در جریان باریک آب در وسط باغ شناور بودند و هر طرف که نگاه می کردی، درختان پر شکوفه خودنمایی می کردند.

نور ملایم عصرگاهی روی آب می تابید و برگ ها را درخشان تر نشان می داد. مهسا آرام دورتا دور باغ قدم می زد. ۲۴۰ قدم زده بود که دوباره به درب ورودی که در گوشه باغ بود رسید. نسیم صورتش را نوازش می کرد و بوی شکوفه ها همه جا پراکنده شده بود. ناگهان در قسمتی از باغ چیزی توجهش را جلب کرد. حدود یک پنجم طول باغ را جلو رفت. توده ای از خاک از سطح زمین کمی بالا آمده بود.

انگار نوک پرنده ای چند بار همان جا را کاویده باشد. او خم شد و با دست کمی خاک را کنار زد. اما خاک سفت تر از آن بود که با انگشت جابه جا شود. حتی وقتی با دو دست فشار داد، فقط بخش کوچکی از آن جا به جا شد. مهسا به اطراف نگاهی انداخت. شاخه ای نسبتا بلند و محکم برداشت و تکه سنگی زیر چوب نزدیک به توده خاک گذاشت و انتهای بلند آن را فشار داد. با اینکه فشار زیادی نمی آورد خاک به راحتی بلند می شد. زیر خاک پوسته ی شکسته تخم یک پرنده دیده می شد، خالی و سبک. نیمی از آن از خاک بیرون بود و بقیه هنوز در خاک دفن بود. احتمالا جوجه ای چند روز پیش از آن بیرون آمده بود. حالا دیگر هوا تاریک شده بود. مهسا بلند شد. لباس هایش را تکانی داد و به سمت خانه به راه افتاد. نباید مادر بزرگ را بیشتر از این تنها می گذاشت چون....



## فارسی

۱- دخترم پایان این داستان را با ذوق نویسندگی خودت در سه خط ادامه بده.

---



---



---

۲- جمله «چیزی توجه مهسا را به خود جلب کرد» را ۳ بار بازنویسی کن و هر بار قید خواسته شده را به آن اضافه کن.

|  |          |
|--|----------|
|  | قید زمان |
|  | قید مکان |
|  | قید حالت |

۳- جمله ی زیر را گسترده تر کن و دوباره بنویس.  
«احتمالا جوجه ای چند روز پیش از آن بیرون آمده بود.»

۴- برای هر حرف کلمه هایی از متن پیدا کن و بنویس.

|  |   |
|--|---|
|  | ط |
|  | گ |
|  | آ |
|  | ع |

۵- برای واژه ی «کاویدن» دو هم خانواده بنویس.

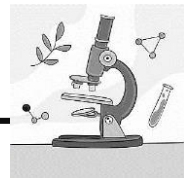
---



---

۶- کلمه «عصر گاهی» در متن به چه معناست؟ آیا می توانی چند کلمه دیگر مانند این ترکیب بنویسی و توضیح بدهی پسوند «گاهی» چه معنایی به کلمات قبل از خود می دهد.





## علوم

۱- آیا چیزی که مهسا در زیر خاک پیدا کرد فسیل بود؟ علت را توضیح بده.

۲- در این داستان شاخه نمونه ای از کدام ماشین ساده است؟

۳- اگر جریان باریک آب قطع شود چه تاثیری بر هوای باغ می گذارد؟ کامل تمام اثرات را بررسی کن.

۴- خاک مرطوب چه اثراتی بر بقایای جانداران می گذارد؟

۵- اگر مهسا چوبی در دسترس نداشت می توانست از چه ابزار دیگری استفاده کند ؟

۶- همه جانداران پس از مرگ به فسیل تبدیل نمی شوند. سه شرط اصلی لازم برای تشکیل فسیل را نام ببر .



## ریاضی

۱- مهسا چوبی را که استفاده کرد به سه قسمت مساوی تقسیم کرده و سنگ را بین قسمت اول و دوم گذاشت حالا حساب کن :

الف) نسبت بازوی محرک به بازوی مقاوم چند است؟

ب) شکل آن را رسم و نام گذاری کن .

۲- اگر باغ مستطیلی باشد و طول آن دو برابر عرض باشد و طول هر قدم مهسا ۵۰ سانتی متر، طول و عرض باغ را پیدا کن .

۳- اگر طول چوبی که مهسا برداشت ۴۵ سانتی متر باشد، تقریباً چند درصد آن در قسمت نیروی محرک قرار گرفته است؟

۴- مهسا پوست تخم پرنده را در چند متری طول باغ پیدا کرد؟

۵- اگر  $\frac{3}{4}$  باغ درخت میوه داشته باشد، بقیه ی فضای باغ چند متر مربع است؟



## تکلیف عملکردی



توجه: تمامی این فعالیت ها بسته به میزان کار ، شامل امتیاز می باشد .

با توجه به ۵ داستانی که خواندی:

✓ تفاوت ها و شباهت هایی که میان زندگی و شخصیت تو و مهسا وجود دارد را عنوان و بررسی کن.

✓ مواد غذایی که مادر بزرگ در خانه درست می کرد را نام ببر و تو هم یکی از مواد غذایی که در خانه می توان تهیه کرد را به کمک یک بزرگتر ( در صورت امکان با مادر بزرگ خود ) درست کن و بعد از تعطیلات نمونه ای از آن را به کلاس بیاور و به دوستانت روش تهیه و نوع تغییرات در مراحل تهیه آن را توضیح بده.

یادداشت مراحل کار:

✓ در سوال ۲ داستان ۳ با کمک یک کیو آر کد فیلمی را مشاهده کردی، حالا تو هم یک مسأله علمی را در رابطه با ماهیچه به کمک اسکرچ یا هر برنامه دیگری یا ساخت کلیپ آماده کن و به کلاس بیاور.

✓ در مورد فضای خانه مادر بزرگ توصیف هایی وجود داشت ، آنچه که در ذهنت از آن تصور کردی نقاشی کن.  
(در دفتر نقاشی)

